

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد
۰۳ فبروری ۲۰۲۲

افشاری از خرده بورژوازی شهری در خدمت طالبان

در طول تاریخ جوامع طبقاتی اعم از برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری، افشار در حال تجزیه میانی با موقعیت سیال و دارای قطعه زمین، چند رأس مواشی، ابزار کار و یا نیروی کار، در کنار طبقات اساسی برده و برده دار، دهقان و فئودال و کارگر و سرمایه دار در دنیای وسیع روستا ها و در دولت های معاصر، به ویژه در شهر ها می زیسته اند و از طریق حرفه ها و فروش نیروی جسمی یا فکری کار، امرار معاش می کرده اند.

از این میان قشر روشنفکران در موقعیت طبقاتی خرده بورژوازی قرار داشته اند. این عده زحمتکشان فکری اند که با چیدن خوشه هائی از خرمن معارف بورژوائی، دانش، مهارت، کمال و نیروی کار خویش را در بخش های اداری، آموزشی، تحصیلی، فنی، صحتی و نظامی - امنیتی به دولت ها و بخش خصوصی در عرصه های تولیدی، تجارتي، آموزشی و خدماتی می فروشند. دستگاه دولتی رژیم های ارتجاعی، مزدور و وابسته گذشته از مهارت و نیروی کار این قشر استاده فراوان برده و در وجود آن، نیروی اجرائی سیاست های ارتجاعی و ضد ملی خود را سر و سامان می داده اند و بدین وسیله این روشنفکران به عنوان زحمتکشان فکری در خدمت نظام های مستبد و جابر وابسته به امپریالیسم و به تبع آن در خدمت استعمار قرار داشته اند.

این عده افراد خرده بورژوای دارای دانش و مهارت های متنوع لازم، از دیرباز بدین سو در رده های پائینی نظام های سیاسی مرتجع و وابسته افغانستان و حامیان بیرونی متجاوز چنین نظام ها احراز موقف نموده و برای حفظ بقاء و منفعت شخصی خویش، به عنوان راه بلد، پایه اجرائی و سیاهی لشکر رژیم های مختلف ارتجاعی، در خدمت سلطه غیرمستقیم استعمار و در مقاطعی سلطه مستقیم سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم اشغالگر قرار داشته اند. خدمت روشنفکران در دولت و نظام برپا شده توسط اشغالگران امریکائی - ناتوئی، ایجاد و تربیت مزدوران "جامعه مدنی" و فعالان رده های متوسط و پائینی احزاب و "ان جی او" های تسلیم طلب و خودفروخته زرپرست خادم امپریالیست های اشغالگر در نظام و دولت مزدور ساقط شده "کرزی - احمدزی"، بهترین مثالی از خودفروشی یک عده و فروش مهارت و نیروی کار این قماش روشنفکران خرده بورژوا به امپریالیسم و ارتجاع بومی حاکم بوده است.

روی هم رفته، این چنین افراد هم اکنون به دلیل وابستگی های زندگی، اندیشه به خود و در کمال بی تفاوتی در قبال فاشیسم مزدوران طالبان و مصائب عدیده زنان و مردان تحت ستم کشور، در خدمت نظام دره و شلاق طالبان وحشی

قرار گرفته و در بخش های مختلف "امارت اسلامی" طالبان جهت حفظ خود، چاپلوسی و همکاری می کنند و با اعمال شبه فاشیستی و تبعیض آمیز طالبان مزدور همسوئی عملی گنگ و اعلام نشده دارند.

گروه مزدور و فاشیست طالبان در عین مزدوری و وابستگی مطلق به دول امپریالیستی و ارتجاعی منطقه به خصوص به دولت توسعه طلب پاکستان، نیروئی است اقتدارگرا و انحصارطلب و برتری خواه. لذا، این نیروی تمامیتخواه در عین رنج بردن به طور جدی از فقر معنوی، بی عرضگی تاریخی و فقدان دانش و مهارت های مورد نیاز دولنداری در عرصه های مختلف زیربنائی و روبنائی؛ بر طبل انحصار طلبی کوبیده و غیر از خود کسی را در موقعیت فرماندهی نمی خواهد. این گروه و امارت اسلامی آن، در چنبره تضاد بین فقر معنوی و تمامیتخواهی، گیر کرده است.

تجارب پنج ماه و نیم از حاکمیت رژیم طالبی نشان داد که تعدادی از روشنفکران مربوط به طبقه متوسط دارای مهارت های لازم با فرصت طلبی و سود جوئی تمام، خرده دانش، مهارت و نیروی کار فکری خویش را در خدمت وطنفروشی، توحش و جنایت "امارت اسلامی" گروه وحشی، مرتجع و ناانسان طالبان قرار داده و از دل و جان برای جا افتادن و استقرار نظم فاشیستی خودفروختگان شیفته طالب در موقعیت فرمانبری و مجریان بی اراده، رهنمائی و خدمت می کنند.

به رغم ناچاری های اقتصادی و انگیزه های اصلی این لشکر اجرائی طالبان، با توجه به ماهیت ضد ملی و ضد مردمی "امارت اسلامی" طالبان، ابعاد فاجعه، سنگینی سلطه فاشیستی طالبانی، گستردگی مصائب توده های تحت ستم شامل زنان و مردان جفاکش، عمق و پهنای تجاوز و مداخلات اهریمنانه دول و محافل استعماری - ارتجاعی به ویژه زمامداران استعمارگر پاکستانی چشم دوخته به موقعیت جغرافیائی و منابع غنی کشور ما؛ عمق قباحت چنین سهمگیری و خدمت بی ریای روشنفکران خرده پائی که از نوک بینی شان دور تر را نمی بینند، به چنین نظام و اهداف ارتجاعی - استعماری در ازای حقوق ناچیزی، هویدا می شود.

هر چند که این عده در خفا از طالبان شکوه و شکایت سر می دهند، اما در عمل در خدمت سیطره و اهداف بغایت ارتجاعی گروه وحشی طالبان مزدور و اهداف استعماری و توسعه جویانه اربابان طماع بیرونی این گروه خودفروخته و فوق ارتجاعی قرار دارند. این قماش روشنفکران اندیشه به خود و فاقد احساس و غرور ملی و تعهد اجتماعی، ملاها و طلبه های گروه طالبان را در عرصه حکومنداری و قواعد آن رهنمائی کرده و دانش، مهارت و معلومات اداری، علمی و فنی خویش را در خدمت سلطه، ستم، استثمار، تعدی و تبعیض نظام تنوکراتیک قرون وسطائی طالبان فاشیست و شوونیست انحصار طلب و بی دانش، قرار می دهند. این سهمگیری، جفا به کشور و ستم بر توده های ستمکش و دربند نظام دره و شلاق طالبی است و محکومیت تاریخی را در پی دارد.

اما با این وصف، هستند روشنفکران شریفی که هیچ نوع نزدیکی و همسوئی با طالبان و سیاست های ارتجاعی و ضد ملی آن نداشته و تا حدود زیادی از این گروه وحشی و خودفروخته دوری اختیار نموده و هم علیه وحوش طالبانی و این قشری که در خدمت سلطه و اهداف پلید طالبان قرار دارد، افشاگری می کنند.

تا جائی که مشاهده شده است این قشر روشنفکران بی تفاوت بنا به وابستگی های زندگی و به دلیل ضعف جنبش انقلابی کشور، در بدنه تمام رژیم های ارتجاعی و مزدور استعمار، به ویژه در چهار دهه اخیر تاریخ کشور، همانند زالو خود را چسبانده و برای بقای خود علیه منافع ملی و منافع تاریخی زحمتکشان تحت ستم و استثمار قرار داشته است.

بناءً، بر تمامی مبارزان ملی، دموکرات و انقلابی است که در راستای مبارزه علیه ارتجاع حاکم طالب و حامیان بیرونی استعمارگر و مرتجعش، با روشنگری و تبلیغات سیاسی در قدم اول افراد مستعد تحول پذیری این دسته را آگاهی، احساس و مسؤولیت پذیری بخشیده تا علاوه از فروش نیروی کار شان به دولت طالبانی و هر کارفرمای استثمارگر

دیگری، منشاء خدمت به تغییرات اجتماعی شوند. آن دسته از افرادی که کماکان بی احساس، بی تفاوت، سرسخت و تزکیه ناپذیر باقی می مانند، به موازات ارتقای گام به گام مبارزات اجتماعی با اهداف ترقیخواهانه برای زنان و مردان بی حقوق و تحت ستم و استثمار کشور، تجرید و افشاء شوند.